
قرآن مجید
به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر
به زبان های زنده دنیا
التین
آشنایی. اعراب آیات . آوانگاری قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن مجید - ۲۸ ترجمه - ٦ تفسیر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۹۵. سوره التین

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۸۸ عنوان و نام پدیدآور:قرآن مجید به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر/ مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع:معارف قرآنی

سوره التین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

وَ التِّينِ وَ الزَّيْتُونِ (۱)

وَ طُورِ سِينِينَ (۲)

وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (۳)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۴)

ثُمَّ رَدَدْناهُ أَسْفَلَ سافِلِينَ (۵)

إِلاَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۶)

فَما يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ (۷)

أَ لَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحاكِمِينَ (۸)

آشنایی با سوره

۹۵- تین [انجیر]

در این سوره به انجیر و زیتون و طور سینا قسم خورده شده است. تین و زیتون، نام دو میوه است، یا به درخت این دو میوه قسم خورده شده، و به قول بعضی ها نام دو کوهی است که دمشق و بیت المقدس بر آن استوار گشته و رمز سوگند یاد کردن به این دو کوه و به طور سینا آن است که این سه جا، خاستگاه و محل بعثت بسیاری از پیامبران بوده است. در کنار این سه قسم، به مکه هم سوگند یاد شده، که محل بعثت پیامبر اسلام است. بعد از همه اینها، سخن از انسان و آفرینش او و ایمان و عمل

صالحش می باشد و اینکه در اثر بی تقوائی، انسان به پست ترین جایگاهها هم سقوط می کند مگر مؤمنان صالح. در سال سوم بعثت در مکه نازل شده (بعد از سوره بروج) و ۷ آیه دارد.

اعراب آیات

{بِسْمِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / فعل مقدّر یا محذوف / فاعل محذوف {الرَّحْمنِ} نعت تابع {الرَّحِیمِ} نعت تابع

{وَالتِّینِ} (و) حرف قسم / اسم مجرور یا در محل جر {وَالزَّيْتُونِ} (و) حرف عطف / معطوف تابع

{وَطُورِ} (و) حرف عطف / معطوف تابع {سِينِينَ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر

{وَهذَا} (و) حرف عطف / معطوف تابع {الْبَلَدِ} بدل تابع {الْأَمِینِ} نعت تابع

{لَقَدْ} (ل) حرف قسم / حرف تحقیق {خَلَقْنَا} فعل ماضی، مبنی بر سکون / (نا) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {الْإِنْسانَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {فِی} حرف جر {أَحْسَنِ} اسم مجرور یا در محل

جر {تَقْوِيمٍ} مضاف اليه، مجرور يا در محل جر

{ثُمَّ} حرف عطف {رَدَدْناهُ} فعل ماضی، مبنی بر سکون / (نا) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {أَسْفَلَ} حال، منصوب {سافِلِينَ} مضاف اليه، مجرور يا در محل جر

{إِلاَّ} حرف استثنا {الَّذِينَ} مستثنی، منصوب {آمَنُوا} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {وَعَمِلُوا} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {الصَّالِحاتِ} مفعولٌ به، منصوب يا در محل نصب {فَلَهُمْ} (ف) رابط جواب برای شرط / حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر مقدّم محذوف {أَجْرٌ} مبتدا مؤخّر {غَيْرُ} نعت تابع {مَمْنُونٍ} مضاف اليه، مجرور يا در محل جر

{فَما} (ف) حرف استيناف / مبتدا، مرفوع يا در محل رفع {يُكَذِّبُكَ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / (ک) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {بَعْدُ} ظرف يا مفعولٌ فيه، منصوب يا در محل نصب {بِالدِّينِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور

{أَلَيْسَ} همزه (أ) حرف استفهام / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری {اللَّهُ} اسم ليس، مرفوع يا در محل رفع {بِأَحْكَمِ} (ب) حرف جر زائد / خبر ليس، منصوب يا در محل نصب {الْحاكِمِينَ} مضاف اليه، مجرور يا در محل جر

آوانگاری قرآن

Bismi Allahi alrrahmani alrraheemi.

Waaltteeni waalzzaytooni.١

Watoori seeneena.٢

Wahatha albaladi al-ameeni.٣

Laqad khalaqna al-insana fee ahsani taqweemin.۴

Thumma radadnahu asfala safileena.۵

Illa allatheena amanoo.۶

waAAamiloo alssalihati falahum ajrun ghayru mamnoonin

Fama yukaththibuka baAAdu bialddeeni.٧

Alaysa Allahu bi-ahkami alhakimeena.٨

ترجمه سوره

ترجمه فارسی استاد فولادوند

به نام خداوند رحمتگر مهربان

سوگند به [کوه تین و زیتون، (١)

و طور سینا، (٢)

و این شهر امن [و امان ، (٣)

[که براستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم. (۴)

سپس او را به پست ترین [مراتب پستی بازگردانیدیم؛ (۵)

مگر کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده اند، که پاداشی بی منّت خواهند داشت. (۶)

پس چه چیز، تو را بعد [از این به تکذیب جزا وامی دارد؟ (٧)

آیا خدا نیکوترین داوران نیست؟ (٨)

ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

«١» قسم به انجیر و زیتون (یا: قسم به سرزمین شام و بیت المقدّس)،

«٢» و سوگند به (طور سینین)،

«٣» و قسم به این شهر امن (= مکّه)،

«۴» که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم،

«۵» سپس او را به پایین ترین مرحله بازگرداندیم،

«۶» مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند که برای آنها پاداشی تمام نشدنی است!

«۷» پس چه چیز سبب می شود که بعد از این همه [دلایل روشن] روز جزا را انکار کنی؟!

«۸» آیا خداوند بهترین حکم کنندگان نیست؟!

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

سوگند به انجیر و زیتون (۱)

و سوگند به طور سینا (۲)

و سوگند به این [مکه] شهر امن (۳)

که ما انسان را در نیکوترین نظم و اعتدال و ارزش آفریدیم. (۴)

آن گاه او را [به سبب گناهکاری] به [مرحله] پست ترین پَستان بازگرداندیم. (۵)

مگر آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، پس آنان را پاداشی بی منت و همیشگی است. (۶)

[ای انسان!] پس چه چیزی تو را بعد [از این همه دلایل] به تکذیب دین و [روز قیامت]، وامی دارد؟ (۷)

آیا خدا بهترین داوران نیست؟ (۸)

ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای

بنام خداوند بخشنده مهربان

قسم به تین و زیتون دو میوه معروف انجیر و زیت یا دو معبد بزرگ کعبه و بیت المقدس (۱)

و قسم بطور سینا و سینه روشن به نور وحی خدا (۲)

و قسم به این شهر امن و امان مکه معظم (۳)

که ما انسان را در مقام احسن تقویم و نیکوترین صورت در مراتب وجود بیافریدیم (۴)

سپس به کیفر کفر و گناهش به اسفل سافلین جهنم و پستتر رتبه امکان برگردانیدیم (۵)

مگر آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند که به آنها پاداش دائمی بهشتابد عطا کردیم (۶)

پس ای انسان مشرک ناسپاس چه تو را بر آن داشت که دین توحید و شرع حق را تکذیب کنی؟ (۷)

آیا خدا مقتدرترین و عادلترین حکم فرمایان عالم نیست؟ البته هست (۸)

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.

به انجیر و زیتون سوگند. (۱)

و به طور سینا سوگند. (۲)

و به این شهر (مکه) امن سوگند. (۳)

همانا ما انسان را در بهترین قوام و نظام آفریدیم. (۴)

سپس او را به پایین ترین مرحله بازگرداندیم. (۵)

مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیك انجام دادند که برای آنان پاداشی قطع ناشدنی و همیشگی است. (۶)

پس بعد از این، چه چیز سبب می شود قیامت را تکذیب کنی؟ (۷)

آیا خدا بهترین حکم کنندگان نیست؟ (۸)

ترجمه فارسی استاد مجتبوی

به نام خدای بخشاینده مهربان

سوگند به انجیر و زیتون. (۱)

و سوگند به کوه سینا. (۲)

و سوگند به این شهر ایمن و ایمنی بخش - یعنی مکه -. (۳)

که هرآینه ما آدمی را در نیکوترین نگاشت - صورت و ترکیب و اعتدالی که بتواند به پایه های بلند دست یابد - بیافریدیم.

(۴)

سپس – آنگاه که ناسپاسی کرده و کفر ورزید و برای آنچه آفریدیمش قیام نکرد – او را فروتر از همه فروتران گردانیدیم. (۵)

مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیك و شایسته کردند، پس ایشان راست مزدی بی پایان – یا بی منت –. (۶)

پس با این حال – بعد از ظهور دلایل – چه چیز تو را – ای آدمی – به دروغ انگاشتن حساب و پاداش وامی دارد؟ (۷)

آیا خدا داورترین همه داوران نیست؟ (۸)

ترجمه فارسی استاد آیتی

به نام خدای بخشاینده مهربان

سوگند به انجیر و زیتون، (۱)

سوگند به طور مبارك، (۲)

سوگند به این شهر ایمن، (۳)

که ما آدمی را در نیکوتر اعتدالی بیافریدیم. (۴)

آنگاه او را فروتر از همه فروتران گردانیدیم. (۵)

مگر آنان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند که پاداشی بی پایان دارند. (۶)

پس چیست که با این حال تو را به تکذیب قیامت وا می دارد؟ (۷)

آیا خدا داورترین داوران نیست؟ (۸)

ترجمه فارسی استاد خرمشاهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

سوگند به [سرزمین قدسی] انجیر و زیتون (۱)

و سوگند به طور سینا (۲)

و سوگند به این شهر [و حرم] امن (۳)

به راستی که انسان را در بهترین قوام آفریده ایم (۴)

سپس او را به فرودین فرود باز گرداندیم (۵)

مگر کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، که ایشان را پاداشی ناکاسته [/ بی منت] است (۶)

[ای انسان] با این حال چه چیزی تو را به انکار روز جزا کشانید؟ (۷)

آیا خداوند داورترین داوران نیست؟ (۸)

ترجمه فارسی استاد معزی

بنام خداوند بخشاینده مهربان

سوگند به انجیر و زیتون (۱)

و طور سینین (یا سینا) (۲)

و این شهر آرام (یا ایمن) (۳)

که آفریدیم انسان را در نکوتر اندام (۴)

سپس بازگردانیدیمش فرود فرودین (۵)

مگر آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند که ایشان را است مزدی بی پایان (۶)

پس چه چیز تکذیب کند تو را از این پس به دین (۷)

آیا نیست خدا حکم کننده ترین حکم کنندگان (۸)

ترجمه انگلیسی قرائی

.In the Name of Allah, the All-beneficent, the All-merciful

,By the fig and the olive ۱

,by Mount Sinai ۲

:by this secure town ۳

۴ We certainly created man in the best of forms;

۵ then We relegated him to the lowest of the low,

۶ except those who have faith and do righteous deeds. There will be an everlasting reward for them.

۷ So what makes you deny the Retribution?

۸ Is not Allah the fairest of all judges?

ترجمه انگلیسی شاکر

(۱) I swear by the fig and the olive,

(۲) And mount Sinai,

(۳) And this city made secure,

(۴) Certainly We created man in the best make.

(۵) Then We render him the lowest of the low.

(۶) Except those who believe and do good, so they shall have a reward never to be cut off.

(۷) Then who can give you the lie after (this) about the judgment?

(۸) Is not Allah the best of the Judges?

ترجمه انگلیسی ایروینگ

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!

(۱) By the Figtree and the Olive,

(۲) Mount Sinai

(۳) and this safe countryside,

;We have created man with the finest stature (۴)

,then reduced him to the dregs on the bottom (۵)

except for those who believe and perform honorable deeds–their earnings shall (۶)
.never be withheld from them

?What would make you reject religion later on (۷)

?Is God not the Wisest of those who judge (۸)

ترجمه انگلیسی آربری

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

(By the fig and the olive (۱

(and the Mount Sinai (۲

(and this land secure! (۳

(we indeed created Man in the fairest stature (۴

(then we restored him the lowest of the low-- (۵

(save those who believe, and do righteous deeds; they shall have a wageunfailing. (۶

(What then shall cry thee lies as to the Doom? (۷

(Is not God the justest of judges? (۸

ترجمه انگلیسی پیکتال

.In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful

(By the fig and the olive, (۱

(By Mount Sinai, (۲

(And by this land made safe; (۳

(Surely We created man of the best stature (۴

(Then We reduced him to the lowest of the low, (۵

(Save those who believe and do good works, and theirs is a reward unfailing. (۶

(So who henceforth will give the lie to thee about the judgment? (۷

(Is not Allah the most conclusive of all judges? (۸

ترجمه انگلیسی یوسفعلی

.In the name of Allah Most Gracious Most Merciful

(By the Fig and the Olive. (۱

(And the Mount of Sinai (۲

(And this City of security (۳

(We have indeed created man in the best of molds (۴

(Then do We abase him (to be) the lowest of the low (۵

Except such as believe and do righteous deeds: for they shall have a reward unfailing. ((۶

(Then what can after this contradict thee; as to the Judgment (to come)? (۷

(Is not Allah the wisest of Judges? (۸

ترجمه فرانسوی

.Au nom d'Allah, le Tout Miséricordieux, le Très Miséricordieux

! Par le figuier et l'olivier .۱

۲. Et par le Mont Sinin !

۳. Et par cette Cité sûre !

۴. Nous avons certes créé l'homme dans la forme la plus parfaite.

۵. Ensuite, Nous l'avons ramené au niveau le plus bas,

۶. sauf ceux qui croient et accomplissent les bonnes oeuvres: ceux-là auront une récompense jamais interrompue.

۷. Après cela, qu'est-ce qui te fait traiter la rétribution de mensonge?

۸. Allah n'est-Il pas le plus sage des Juges?

ترجمه اسپانیایی

۱. Por las higueras y los olivosi!

۲. Por el monte Sinaíi!

۳. Por esta ciudad segurai!

۴. Hemos creado al hombre dándole la mejor complexión.

۵. Luego, hemos hecho de él el más abyecto,

۶. Excepto quienes crean y obren bien, que recibirán una recompensa ininterrumpida.

۷. Cómo puede aún desmentirse el Juicio?

۸. ¿No es Alá quien mejor decide?

ترجمه آلمانی

Im Namen Allahs, des Gnنdigen, des Barmherzigen.

۱. Bei der Feige und dem ضlbaum,

۲. Und bei dem Berg Sinai,

۳. Und bei dieser Stadt des Friedens,

۴. Wahrlich, Wir haben den Menschen in schnstem Ebenmaك erschaffen.

۵. (Wirkt er) dann aber (Bses), so verwerfen Wir ihn als den Niedrigsten der Niedrigen.

۶. Doch so sind die nicht, die glauben und gute Werke üben; denn ihrer ist unendlicher Lohn.

۷. Wer kann also dich leugnen nach (diesem Wort) über das Weltgericht?

۸. Ist Allah nicht der Grك te der Richter?

ترجمه ایتالیایی

In nome di Allah, il Compassionevole, il Misericordioso

۱. Per il fico e per l'olivo,

۲. per il Monte Sinai

۳. e per questa contrada sicura!

۴. Invero creammo l'uomo nella forma migliore,

۵. quindi lo riducemmo all'infimo dell'abiezione,

۶. eccezion fatta per coloro che credono e fanno il bene: avranno ricompensa inesauribile.

۷. Dopo di ciò cosa mai ti farà tacciare di menzogna il Giudizio?

۸. Non è forse Allah il più saggio dei giudici?

ترجمه روسی

Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного!

۱. Клянусь смоковницей и маслиной,

۲. и горою Синаем,

۳. и этим городом безопасным!

۴. Мы сотворили человека лучшим сложением,

۵. а потом вернем его в нижайшее из низких состояний),

۶. кроме тех, которые уверовали и творили добрые дела, – им награда неисчислимая!

۷. Что же после этого заставляет считать тебя лгущим о суде?

۸. Разве Аллах не лучший из решающих?

ترجمه ترکی استانبولی

Rahman ve rahîm Allah adiyle.

۱- Andolsun Tîn'e ve Zeytûn'a.

۲- Ve Tûr- Sînâ'ya.

۳- Ve bu emîn ehre.

۴- Gerçekten de biz, insan, en güzel bir sûrete sâhip olarak yarattk.

۵- Sonra da onu dndürdük, a aĺarn en a aśna attk.

۶- Ancak inananlar ve iyi i lerde bulunanlar ba ka, gerçekten de onlara bitmez tükenmez, ba a kaklmaz bir mükâfat var.

۷- Artk dîni yalanlamana sebep nedir?

۸- Allah, hükmedenlerin en üstünü deĺl midir?

ترجمه آذربایجانی

!Mərhəmətli, rəhmli Allahın adı ilə

;And olsun əncirə və zeytuna .١

;And olsun (Allah-təalanın Musa ilə danışdığı) Tur dağına .٢

,And olsun bu təhlükəsiz (qorxusuz-xətərsiz) şəhərə (Məkkəyə) ki .٣

!Biz insanı ən gözəl biçimdə yaratdıq .۴

!Sonra da onu qaytarıb rəzillərin rəzili edərik .۵

Yalnız iman gətirib yaxşı əməllər edənlərdən başqa! Onları münnətsiz (saysız- . ۶
.hesabsız) mükafat gözləyir

Ey kafir insan! Bu qədər öyüd-nəsihətdən) sonra səni dini (haqq-hesab gününü)) .٧
!?yalan saymağa vadar edən nədir

!?Məgər Allah hakimlərin hakimi (ən ədalətli, ən üstün hakim) deyilmi .٨

ترجمہ اردو

شروع خدا کا نام ل□ کر جو ب□ا م□ربان ن□ایت رحم والا □□

١. انجیر کی قسم اور زیتون کی

٢. اور طور سینین کی

٣. اور اس امن وال□ ش□ر کی

۴. ک□ □م ن□ انسان کو ب□ت اچ□ی صورت می□ پیدا کیا □□

۵. پ□ر (رفت□ رفت□) اس (کی حالت) کو (بدل کر) پست س□ پست کر دیا

۶. مگر جو لوگ ایمان لائ□ اور نیک عمل کرت□ ر□□ انک□ لی□ بیانت□ا اجر □□

٧. تو (ا□ آدم زاد) پ□ر تو جزا ک□ دن کو کیو□ ج□□لاتا □□؟

٨. کیا خدا سب س□ ب□ا حاکم ن□ی□ □□؟

ترجمه پشتو

۱. شروع کوم د الله په نامه چ□ □□ر زیات مهربانه او پوره رحم لرونک□ د□. قسم د□ په اين□ر او خوونه (زيتون) باند□

۲. او قسم د□ په (غرۀ باند□ چ□ نوم ي□) طور سينين (د□)

۳. او قسم د□ د امن په د□ □ار (مکه) باند□

۴. چ□ ما انسان په □□ر □ه صورت او نظام سره پيدا ک□

۵. بيا مو هغه (د □ناهونو په سبب د دوزخ) له □ولو □کته درج□ ک□□ و□ر□اؤ

۶. م□ر هغه کسان چ□ چا ايمان راو□□ د□ او □ه عملونه ي□ ک□ی دی د دوی لپاره په جنت ک□ـ□ نه ختميدوونک□ اجر و ثواب د□.

۷. نو □ه ش□ د د□ سبب □ر□ی چ□ له د□ (رو□انه دليلونو راتلو) وروسته د جزا ور□ه (قيامت) دروغ و□□ی

۸. آيا خدای پاک له □ولو حاکمانو نه لوی حاکم نه د□.

ترجمه کردی

۱. Bi navê Yezdanê Dilovan ê Dilovîn Bi hêjîr û zeytûnan.

۲. Û bi çîyayê Sîna yê.

۳. Û bi vî bajarê ewle.

۴. (Sond dixum!) ku me meriv bi rastî di rindê rûçikan da afirandîye.

۵. Me paşe ewa (meriva) li bal (tema pîr da) zivirandîye (ku ji pistî zanînê hemî tiştan bîrva bike).

۶. Ji pêştirê wanê bawer kirine û karê aştî kirine, îdî ji bona wan ra jî kêreke bê paşî heye.

۷. Îdî (Ji piştî van beratan) ka (merivo!) ji bona te ra çi bûye, ku tu bi ola (Xuda û bi roya xelat û celatan) viran dikî?

۸. Maqey tu (bawer nakî) ku berawanê berewanan Yezdan e?

ترجمه اندونزی

.Dengan menyebut nama Allah Yang Maha Pemurah lagi Maha Penyayang

(Bacalah dengan (menyebut) nama Tuhanmu Yang menciptakan.(١

(Dia telah menciptakan manusia dari segumpal darah.(٢

(Bacalah, dan Tuhanmulah Yang Maha Pemurah,(٣

(Yang mengajar (manusia) dengan perantaraan kalam.(۴

(Dia mengajarkan kepada manusia apa yang tidak diketahuinya.(۵

(Ketahuilah! Sesungguhnya manusia benar- benar melampaui batas,(۶

(Karena dia melihat dirinya serba cukup.(٧

(Sesungguhnya hanya kepada Tuhanmulah kembali (mu).(٨

ترجمه مالیزیایی

Dengan nama Allah, Yang Maha Pemurah, lagi Maha Mengasihani

(Demi buah Tiin dan Zaitun, (١

(Dan Gunung Tursina, (٢

(Serta negeri (Makkah) yang aman ini, - (٣

Sesungguhnya Kami telah menciptakan manusia dalam bentuk yang sebaik-baiknya ((dan berkelengkapan sesuai dengan keadaannya). (۴

Kemudian (jika ia panjang umur sehingga tua atau menyalahgunakan kelengkapan itu), Kami kembalikan dia ke serendah-rendah peringkat orang-orang yang rendah, ((۵

Kecuali orang-orang yang beriman dan beramal soleh, maka mereka beroleh pahala (yang tidak putus-putus. (۶

Jika demikian kekuasaanKu), maka apa pula yang menjadikan engkau seorang) pendusta, (berkata tidak benar) mengenai hari pembalasan, sesudah (ternyata dalil-(dalil yang membuktikan kekuasaanKu mengadakan hari pembalasan) itu? (۷

(Bukankah Allah (yang demikian kekuasaanNya) seadil-adil Hakim? (۸

ترجمه سواحیلی

Kwajina la Mwenyeezi Mungu, Mwingi wa rehema, Mwenye kurehemu

.Naapa kwa Tiini na Zaytun .۱

.Na kwa mlima Sinai .۲

.Na kwa mji huu wenye amani .۳

.Bila shaka tumemuumba mtu katika hali nzuri sana .۴

.Kisha tukamrejesha chini ya walio chini .۵

Isipokuwa wale walioamini na wakatenda mema basi watapata malipo mema .۶ .yasiyokoma

.Basi ni nani atakayekukadhibisha baada ya haya katika hukumu .۷

?(Je, Mwenyeezi Mungu si Hakimu bora kuliko Mahakim (wote .۸

تفسیر سوره

تفسیر المیزان

صفحه ی ۵۳۸

(۹۵) سوره تین، مکی است و هشت آیه دارد (۸)

[سوره التین (۹۵): آیات ۱ تا ۸] ترجمه آیات به نام خدای رحمان و رحیم،

سوگند به دو سرزمین (انبیاء خیز) شام و بیت المقدس (یا قسم به انجیر و زیتون) (۱).

و سوگند به سرزمین "طور سینا" (۲).

سوگند به مکه این بلد امین (۳).

که ما انسان را به بهترین نظام خلقت خلق کردیم (۴).

سپس او را- در صورتی که منحرف شود- به پست ترین مرحله برگرداندیم (۵).

مگر کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح کنند که پاداشی قطع ناشدنی دارند (۶).

حال ای انسان! آن انگیزه ای که تو را وا می دارد به اینکه روز جزا را تکذیب کنی چیست؟ (۷).

مگر خـــــــــــــدا را احکـــــــــــــــم الحـــــــــــــاکمین نیافتیـــــــــــــــد؟ (۸).

صفحه ی ۵۳۹

بیان آیات این سوره مساله بعث و جزا را یاد آور شده، مطلب را از راه خلقت انسان در بهترین تقویم، و سپس اختلاف افراد انسان در بقا بر فطرت اولی و خارج شدن از آن، و در نتیجه تنزلش تا اسفل سافلین را بیان نموده، در آخر خاطر نشان می کند که به حکم حکمت الهی واجب است که بین دو طایفه در دادن

جزا فرق گذاشت، و پاداش هر دو نباید یکسان باشد.

و این سوره مکی است، هر چند که می تواند مدنی هم باشد، مؤید مکی بودنش سوگند به" وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ" است هر چند که این نیز صریح نیست در اینکه سوره در مکه نازل شده، چون احتمال دارد سوگند به شهر مکه بعد از هجرت آن حضرت و مراجعتش به مکه نازل شده باشد.

[مراد از" تین" و" زیتون" و وجه تسمیه مکه به" الْبَلَدِ الْأَمِینِ"]

" وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ وَ طُورِ سِینِینَ وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ" بعضی «۱» از مفسرین گفته اند: مراد از کلمه" تین" (انجیر) و" زیتون" دو میوه معروف است، که خدای تعالی به آنها سوگند یاد کرده، به خاطر اینکه در آنها فواید بسیار زیادی و خواص و منافعی سراغ داشته.

ولی بعضی «۲» دیگر گفته اند: منظور از تین، کوهستانی است که دمشق بر بلندی آن واقع شده، و منظور از زیتون کوهستانی است که بیت المقدس بر بالای یکی از کوه هایش بنا شده، و اطلاق نام دو میوه انجیر و زیتون بر این دو کوه شاید برای این بوده که این دو میوه در این دو منطقه می روید، و سوگند خوردن به این دو منطقه هم شاید به خاطر این بوده که عده بسیاری از انبیا در این دو نقطه مبعوث شده اند. و بعضی دیگر احتمال هایی دیگر داده اند.

و مراد از" طُورِ سِینِینَ"، کوهی است که در آن خدای تعالی با موسی بن عمران تکلم کرد، که" طور سیناء" هم نامیده می شود، و مراد از" هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ" مکه مشرفه است، و بلد امینش خواند، چون امنیت یکی از خواصی است که برای

حرم تشریع شده، و هیچ جای دیگر دنیا چنین حکمی برایش تشریع نشده، و این حرم سرزمینی است که خانه کعبه در آن واقع است، و خدای تعالی در باره آن فرموده:" أَ وَ لَمْ یَرَوْا أَنَّا جَعَلْنا حَرَماً آمِناً" «۳»، و نیز در

---

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۱۰.

(۲) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۱۷۳.

(۳) مگر ندیدند که ما حرمی ایمن درست کردیم. سوره عنکبوت، آیه ۶۷.

دعایی که قرآن کریم از ابراهیم خلیل (ع) حکایت کرده آمده:" رَبِّ اجْعَلْ هذا بَلَداً آمِناً" «۱»، و در دعای دیگرش آمده:" رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِناً" «۲».

و در آیه مورد بحث با آوردن کلمه" هذا" و اشاره کردن به مکه احترام خاصی از آن کرده، و فهمانده که کعبه نسبت به آن سه نقطه دیگر شرافت خاصی دارد، و اگر آن را امین خوانده یا به این جهت است که کلمه" امین" را به معنای" آمن" گرفته، و آمن معنای نسبت را افاده می کند، و در نتیجه به معنای" ذی الامن- دارای امن" است، مثل اینکه کلمه" لابن و تامر" به معنای دارنده لبن (شیر) و تمر (خرما) است. و یا به خاطر این است که فعیل در اینجا به معنای مفعول است، یعنی شهری که مردم در آن ایمن هستند، و کسی از اهالی آن این ترس را ندارد که بر سرش بریزند و آسیبش برسانند، پس نسبت امن به خود شهر دادن نوعی مجازگویی است.

[منظور از خلقت انسان در احسن تقویم و اشاره به مقام رفیع او بر حسب طبع اولی و استعداد ذاتی

" لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فِی أَحْسَنِ تَقْوِیمٍ" این

آیه جواب چهار سوگند قبل است، و منظور از" خلق کردن انسان در احسن تقویم" این است که: تمامی جهات وجود انسان و همه شؤونش مشتمل بر تقویم است. و معنای" تقویم انسان" آن است که او را دارای قوام کرده باشند، و" قوام" عبارت است از هر چیز و هر وضع و هر شرطی که ثبات انسان و بقایش نیازمند بدان است، و منظور از کلمه" انسان" جنس انسان است، پس جنس انسان به حسب خلقتش دارای قوام است.

و نه تنها دارای قوام است، بلکه به حسب خلقت دارای بهترین قوام است، و از این جمله و جمله بعدش که می فرماید:" ثُمَّ رَدَدْناهُ أَسْفَلَ سافِلِینَ إِلَّا الَّذِینَ ..." استفاده می شود که انسان به حسب خلقت طوری آفریده شده که صلاحیت دارد به رفیع اعلی عروج کند، و به حیاتی خالد در جوار پروردگارش، و به سعادتی خالص از شقاوت نائل شود، و این به خاطر آن است که خدا او را مجهز کرده به جهازی که می تواند با آن علم نافع کسب کند، و نیز ابزار و وسائل عمل صالح را هم به او داده، و فرموده:" وَ نَفْسٍ وَ ما سَوَّاها فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها" «۳» پس هر وقت بدانچه دانسته ایمان آورد، و ملازم اعمال صالح گردید، خدای تعالی او را به سوی خود عروج می دهد و بالا می برد، هم چنان که فرمود:

---

(۱) پروردگارا! این محل رای شهری امن قرار بده. سوره بقره، آیه ۱۲۶.

(۲) پروردگارا! این شهر رای شهری امن کن. سوره ابراهیم، آیه ۳۵.

(۳) و سوگند به نفس آدمی و آن کس که آن رای منظم ساخته، سپس فجور و

" إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ" «۱»، و نیز فرموده:" وَ لكِنْ يَنالُهُ التَّقْوى مِنْكُمْ" «۲»، و نیز فرموده:" يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجاتٍ" «۳»، و نیز فرموده:" فَأُولئِكَ لَهُمُ الدَّرَجاتُ الْعُلى «۴»، و آیات دیگر از این قبیل، که دلالت می کند بر اینکه مقام انسان مقام بلندی است، و مدام می تواند به وسیله ایمان و عمل صالح بالا رود، و این از ناحیه خدا عطایی است قطع ناشدنی، و خدا آن را پاداش خوانده، هم چنان که آیه ششم این سوره به آن اشاره دارد، و می فرماید:

" فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ".

[چند احتمال در باره مراد از" رد" انسان (جز مؤمنان صالح العمل) به" أَسْفَلَ سافِلِينَ"]

" ثُمَّ رَدَدْناهُ أَسْفَلَ سافِلِينَ" کلمه" رد" که مصدر فعل" رددنا" است، ظاهرش این است که به همان معنای معروفش باشد، در نتیجه کلمه" اسفل" به خاطر افتادن حرف جر یعنی حرف" الی" از اولش منصوب شده، و تقدیرش" رددناه الی اسفل" است، و مراد از" أَسْفَلَ سافِلِينَ" مقام منحطی است که از هر پستی پست تر، و از مقام هر شقی و زیانکاری پایین تر است.

و معنای آیه این است که: سپس ما همین انسان را که در بهترین تقویم آفریدیم، به مقام پستی برگرداندیم که از مقام تمام اهل عذاب پست تر است.

احتمال هم دارد که کلمه" رد" در اینجا به معنای جعل باشد، یعنی ما او را پست ترین پست ها قرار دادیم. و نیز احتمال دارد به معنای تغییر باشد، و معنا چنین باشد که: ما سپس

همین انسان را که آن طور آفریدیم تغییر می دهیم، و مراد از" سفالت" به هر حال شقاوت و عذاب است.

و بعضی «۵» گفته اند: مراد از خلقت انسان در احسن تقویم، همان شرایطی است که یک انسان در آن شرایط، هستی می یابد و به حد جوانی می رسد، حدی که قوایش استقامت یافته، صورت ظاهریش، و جمال هیئتش به کمال می رسد. و مراد از رد انسان به اسفل سافلین ________________

(۱) اعتقاد پاک و صحیح به سوی او بالا می رود، و عمل صالح در بالا رفتن آن کمکش می کند.

سوره فاطر، آیه ۱۰.

(۲) (گوشت قربانی عاید خدا نمی شود) و لیکن تقوای شما است که به سوی او عروج نموده، و به او می رسد. سوره حج، آیه ۳۷.

(۳) خدای تعالی از میان شما کسانی را بالا می برد که ایمان آورده باشند، و در میان آنان کسانی که توفیق علمشان داده شده به درجاتی بالاترند. سوره مجادله، آیه ۱۱.

(۴) ایشان درجاتی بس بلند دارند. سوره طه، آیه ۷۵.

(۵) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۱۱.

بر گرداندنش به دوران ضعف قوای ظاهری و باطنیش در پیری است، که قد و قامتش از استقامت به انحناء می گراید، و هوش و حواسش ناتوان می شود، در نتیجه این آیه مفاد آیه زیر را می رساند که فرموده:" وَ مَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِی الْخَلْقِ" «۱».

و لیکن این معنا با آیه" إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ" نمی سازد، چون به طور مسلم این استثنای متصل است، و بر گشتن خلق و خوی انسان در دوران پیری استثناپذیر نیست، چون حکم خلقت عمومی است، و مؤمن و کافر سرش نمی شود، هر کس به دوران پیری برسد چه صالح

باشـد و چه طالـح، خلقت ظـاهری و خوی بـاطنیش تغییر می کنـد، و ادعـای اینکه مردم صالـح و مؤمن چنین نمی شونـد، و از دگرگونی مصون هستند، ادعایی است خرافی.

و همچنیـن ایـن ادعـا که کسـی بگویـد: مراد از انسـان در آیه شـریفه تنهـا کـافر است، و مراد از" رد او" بردنش به جهنم، و یا استثناء در آیه منقطع است، و مراد از رد، نکس در خلقت است.

" إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُونٍ" مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالـح کردنـد، که اجری غیر ممنون یعنی غیر مقطوع دارند، و این استثناء متصل و استثناء از جنس انسان است، و حرف" فاء" جمله" فَلَهُمْ أَجْرٌ ..." را متفرع بر این اسـتثنا می کنـد، و این خود مؤیـد آن است که مراد از رد انسان به سوی اسـفل سافلین، ردش به سوی شـقاوت و عذاب است.

[معنای آیه:" فَما یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ ..." و تقریر احتجاجی که برای اثبات بعث و جزا متضمن است

" فَما یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ أَ لَیْسَ اللَّهُ بِأَحْکَمِ الْحاکِمِینَ" خطاب در این آیه به انسان است، البته به اعتبار جنس انسان.

ولی بعضـی «۲» گفتـه انـد: در ظـاهر خطـاب بـه رسـول خـدا (ص) است، و در واقـع منظـور سـایر مردمنـد. کلمه" مـا" در آن اسـتفهامی و استفهامش توبیخی است، و جار و مجرور" بالدین" متعلق است به جمله" یکذبک"، و کلمه" دین" به معنای جزا است. و معنایش- به طوری که گفته انـد- «۳» این است که ای انسـان! آن انگیزه ای که تو را واداشـته که جزای روز قیامت را تکذیب کنی چیست؟ آن هم بعد از اینکه ما انسان را را

دو طایفه کرده، یک طایفه که به سوی اسفل سافلین بر گشتند، و طایفه ای که پاداش داده شدند، پاداشی قطع ناشدنی.

" أَ لَیْسَ اللَّهُ بِأَحْکَمِ الْحاکِمِینَ "- این استفهام برای تقریر و تثبیت مطلب قبل است، و" احکم الحاکمین بودن خدا" به این معنا است که او فوق هر حاکم است، چون حکمش ____________________

(۱) هر که را عمر دراز دهیم در پیری از خلقتش می کاهیم. سوره یس، آیه ۶۸.

(۲ و ۳) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۱۷۷.

متقن ترین حکم است، و در حقیقت و نفوذ از حکم هر حاکم دیگر برتر است، حکم او به هیچ وجه دچار وهن و اضطراب و بطلان نمی گردد، خدای تعالی در عالم خلقت و تدبیر حکمی می راند که به مقتضای حکمت باید رانده شود، حکمی متقن و زیبا و با نفوذ، و چون از یک سو خدای تعالی احکم الحاکمین، و از سوی دیگر مردم از نظر اعتقاد و عمل دو طایفه هستند حکمت واجب می سازد که خدای تعالی بین این دو طایفه از نظر جزا در حیات باقی آخرت فرق بگذارد، و همین است که مساله بعث را واجب می کند.

پس تفریعی که در جمله" فَما یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ " شده، از قبیل تفریع نتیجه بر حجت است، و جمله" أَ لَیْسَ اللَّهُ بِأَحْکَمِ الْحاکِمِینَ " حجت مذکور را تتمیم می کند، چون تمامیت حجت، موقوف بر احکم الحاکمین بودن خداست.

و حاصل آن حجت این است که: بعد از آنکه مسلم شد که انسان در احسن تقویم خلق شده، و معلوم شد که بعد از خلقت، به دو طایفه تقسیم می شود، طایفه ای که از تقویم خدادادیش که تقویمی احسن بود خارج و

به سوی اسفل سافلین برمی گردد، و طایفه ای که به همان تقویم احسن الهی و بر صراط فطرت اولش باقی می ماند. و از سوی دیگر خدای تعالی مدبر امور ایشان، احکم الحاکمین است. و از سوی سوم حکمت این خدا اقتضا دارد که با این دو طایفه یک جور معامله نکند نتیجه می گیریم که پس باید روز جزایی باشد، تا هر طایفه ای به جزای عملی که کرده اند برسند، و عقل و فطرت آدمی اجازه نمی دهد و بهانه ای ندارد که این روز جزا را تکذیب کند.

پس آیات مورد بحث- به طوری که ملاحظه می کنید- همان معنایی را افاده می کند که آیه زیر آن را افاده می کند:" أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ" «۱»، و نیز آیه زیر که می فرماید:" أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَواءً مَحْياهُمْ وَ مَماتُهُمْ ساءَ ما يَحْكُمُونَ" «۲».

و بعضی «۳» از مفسرین که خطاب در آیه" فَما يُكَذِّبُكَ" را متوجه رسول خدا (ص)

---

(۱) آیا قابل قبول است که ما مردم با ایمان و اعمال صالح را مانند مفسدین در ارض، و یا مردم با تقوا را مانند فجار قرار دهیم؟ سوره ص، آیه ۲۸.

(۲) آیا کسانی که گناهان را مرتکب می شوند، گمان کرده اند ما با آنان همان معامله را می کنیم که با افراد با ایمان و با اعمال صالح خواهیم کرد؟ و آیا حیات و موت هر دو یکسان است؟ چه بد حکمی است که می کنند. سوره جاثیه، آیه ۲۱.

(۳) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۱۷۷.

دانسته اند، کلمه" ما- چیزی که" را به معنای" من- کسی

که" گرفته اند، و نیز حکم را به معنای قضا گرفته، و در نتیجه آیه را چنین معنا کرده اند: وقتی مردم مختلف هستند، و لازمه اختلافشان اختلاف جزایشان در روز جزاست، پس کسی که تکذیب جزا را روش خود کرده آیا خدای تعالی را" اقضی القاضین" نمی داند؟ آری او بین تو و تکذیب گران به تو به روز جزا حکم خواهد کرد.

ولی خواننده عزیز توجه دارد که صاحبان این وجه بیهوده خود را به زحمت انداخته اند.

بحث روایتی [(چند روایت راجع به مراد از" تین"،" زیتون" و" البلد الامین")]

در تفسیر قمی در ذیل آیه" وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ وَ طُورِ سِینِینَ وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ" آمده که:

منظور از" تین"، مدینه، و از" زیتون" بیت المقدس، و از" طور سینین" کوفه، و از" هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ" مکه است «۱».

مؤلف: این معنا در بعضی از روایات از موسی بن جعفر (ع) از پدران بزرگوارش از رسول خدا (ص) نیز آمده، ولی خالی از اشکال نیست «۲».

و در بعضی دیگر آمده: تین و زیتون، حسن و حسین، و طور علی، و بلد امین رسول خدا (ص) است. ولی این روایات به هیچ وجه از باب تفسیر نیست «۳».

و در الدر المنثور است که ابن مردویه از جابر بن عبد اللَّه روایت کرده که گفت:

خزیمه بن ثابت- البته این غیر آن خزیمه انصاری است- از رسول خدا (ص) از بلد امین پرسید، فرمود: مکه است «۴».

---

(۱) تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۷۷ و نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۰۶.

(۲ و ۳) تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۷۷، ح ۱ و ۴.

(۴) الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۶۶.

تفسیر نمونه

سوره تین

مقدمه

این سوره در مکه

نازل شده و دارای ۸ آیه است.

محتوی و فضیلت سوره تین

این سوره در حقیقت بر محور آفرینش زیبای انسان ، و مراحل تکامل ، و انحطاط او دور می زند، و این مطلب با سوگندهای پر معنائی در آغاز سوره شروع شده است ، و بعد از شمردن عوامل پیروزی و نجات انسان ، سرانجام با تاءکید بر مساءله معاد و حاکمیت مطلقه خداوند پایان می گیرد.

در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) آمده است : من قراءها اعطاه الله خصلتین : العافیه و الیقین ما دام فی دار الدنیا، فاذا مات اعطاه الله من الاجر بعدد من قراء هذه السوره صیام یوم !:

هر کس این سوره را بخواند خداوند دو نعمت را مادامی که در دنیا است به او می بخشد: سلامت و یقین ، و هنگامی که از دنیا برود به تعداد تمام کسانی که این سوره را خوانده اند ثواب یک روز روزه به عنوان پاداش به او می بخشد. <۱> این سوره در مکه نازل و آیه و هذا البلد الامین که در آن سوگند به شهر مکه با اسم اشاره نزدیک یاد شده دلیل بر آن است .

تفسیر :

ما انسان را در بهترین صورت آفریدیم

در آغاز این سوره نیز به چهار سوگند پر معنی برخورد می کنیم که مقدمه برای بیان معنی پر اهمیتی است .

می فرماید: قسم به تین ، و زیتون (و التین و الزیتون).

و سوگند به طور سینین (و طور سینین). <۲>

و سوگند به این شهر امن و امان (و هذا البلد الامین).

((تین)) در لغت

به معنی انجیر و زیتون همان زیتون معروف است ماده روغنی مفیدی از آن می گیرند.

در اینکه آیا منظور سوگند به همین دو میوه معروف است یا چیز دیگر؟ مفسران سخنان گوناگونی دارند.

در حالی که بعضـی آن را اشاره به همان دو میوه معروف می دانند که خواص غذائی و درمانی فوق العاده زیادی دارد، بعضی دیگر معتقدنـد کـه منظـور از آن ، دو کـوهی اسـت که شـهر دمشـق و بیت المقـدس بر آنهـا قرار گرفته ، چرا که این دو محل سرزمیـن قیـام بسـیاری از انبیـاء و پیـامبران بزرگ خـدا است ، و این دو قسم بـا سوگنـدهای سـوم و چهـارم که از سـرزمینهای مقدسی یاد می کند هماهنگ است .

بعضـی نیز گفته انـد نامگذاری این دو کوه بنام تین و زیتون به خاطر این است که بر یکی از آنها درختان انجیر می روید، و بر دیگری درختان زیتون .

بعضـی نیز تین را اشاره به دوران آدم دانسـته اند، چرا که لباسی که آدم و حوا در بهشت پوشیدند از برگ درختان انجیر بود ، و زیتون را اشاره به دوران نوح می دانند، زیرا در آخرین مراحل طوفان نوح کبوتری را رها کرد تا درباره پیدا شدن خشکی از زیر آب جسـتجو کند او با شاخه زیتونی بازگشت ، و نوح فهمید که طوفان پایان گرفته و خشـکی از زیر آب ظاهر شده اسـت (لذا شاخه زیتون رمز صلح و امنیت است).

بعضی نیز تین را اشاره به مسجد نوح که بر کوه جودی بنا شد می دانند

و زیتون را اشاره به بیت المقدس .

ولی ظاهر آیه در بدو نظر همان دو

میوه معروف است ، اما با توجه به سوگندهای بعد مناسب دو کوه یا دو مرکز مقدس و مورد احترام می باشد.

لذا در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) می خوانیم که خداوند از میان شهرها چهار شهر را برگزید، و در باره آنها فرمود: و التین و الزیتون و طور سینین و هذا البلد الامین : تین مدینه است و زیتون بیت المقدس و طور سینین کوفه و هذا البلد الامین مکه است . <۳>

منظور از ((طور سینین)) ظاهرا همان طور سیناء است که مفسران آن را اشاره به کوه طور معروف که در صحرای سیناء است دانسته اند، و در آنجا درختان پر بار زیتون وجود دارد.

سینا را به معنی کوه پر برکت ، یا پر درخت ، یا زیبا، می دانند، و همان کوهی است که موسی به هنگام مناجات به آنجا می رفت .

بعضی نیز آن را کوهی در نزدیک کوفه و سرزمین نجف دانسته اند.

بعضی تصریح کرده اند که سینین و سیناء یکی است و معنای آن پر برکت است .

و اما ((هذا البلد الامین)) مسلما اشاره به سرزمین مکه است سرزمینی که حتی در عصر جاهلیت به عنوان منطقه اءمن و حرم خدا شمرده می شد، و کسی در آنجا حق تعرض به دیگری نداشت ، حتی مجرمان و قاتلان وقتی به آن

سرزمین می رسیدند در امنیت بودند.

این سرزمین در اسلام اهمیت فوق العاده‌ای دارد، حیوانات و درختان و پرندگان او، تا چه رسد به انسانها، از امنیت خاصی باید در آنجا برخوردار باشند. <۴>

این نکته نیز قابل دقت

است که واژه تین در قرآن مجید تنها در اینجا ذکر شده ، در حالی که کلمه زیتون شش بار صریحا در قرآن مجید آمده ، و یک بار هم به صورت اشاره ، در آنجا که می فرماید و شجره تخرج من طور سیناء تنبت بالدهن و صبغ للاکلین و درختی که از طور سینا می روید و از آن روغن و نانخورش برای خورندگان فراهم می گردد (مؤ منون – ۲۰).

و هر گاه این دو قسم (تین و زیتون) را بر معنی ابتدائی آنها حمل کنیم یعنی انجیر و زیتون معروف ، باز سوگند پر معنائی است زیرا:

انجیر دارای ارزش غذائی فراوانی است و لقمهای است مغذی و مقوی برای هر سن و سال و خالی از پوست و هسته و زوائد.

غذا شناسان می گویند:

از انجیر می توان بعنوان قند طبیعی جهت کودکان استفاده نمود، ورزشکاران و آنها که گرفتار ضعف و پیری اند می توانند از انجیر برای تغذیه خود استفاده کنند.

می گویند افلاطون به قدری انجیر را دوست می داشت که بعضی آن را دوست فیلسوفان نامیده اند، و سقراط انجیر را جذب کننده مواد نافع و دفع

کننده مضار می دانسته .

((جالینوس)) رژیم مخصوصی از انجیر برای پهلوانان تنظیم کرده بود، به پهلوانان روم و یونان قدیم نیز انجیر داده می شد.

دانشمندان غذاشناس می گویند انجیر سرشار است از ویتاءمین های مختلف و قند، و در بسیاری از بیماریها از آن به عنوان یک دارو می توان استفاده کرد، مخصوصا هر گاه انجیر و عسل را به طور مساوی مخلوط کنند برای زخم معده بسیار مفید است ، خوردن

انجیر خشک فکر را تقویت می کند، خلاصه به علت وجود عناصر معدنی در انجیر که سبب تعادل قوای بدن و خون می گردد انجیر را غذای هر سن و شرائطی معرفی کرده اند.

در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا (علیهماالسلام) آمده است التین یذهب بالبخر و یشد الفم و العظم ، و ینبت الشعر، و یذهب بالداء و لا یحتاج معه الی دواء و قال (علیه السلام): التین اشبه شی ء بنبات الجنه :

انجیر بوی دهان را می برد ، لثه ها و استخوانها را محکم می کند، مو را می رویاند درد را برطرف می سازد، و با وجود آن نیاز به دارو نیست ، و نیز فرمود انجیر شبیه ترین اشیاء به میوه بهشتی است . <۵> <۶>

و اما در باره زیتون غذاشناسان و دانشمندان بزرگی که سالیان دراز از عمر خود را در راه مطالعه خواص گوناگون میوه ها صرف کرده اند برای زیتون و روغن آن اهمیت فوق العادهای قائلند، و معتقدند کسانی که می خواهند همواره سالم باشند باید از این اکسیر حیاتی استفاده کند.

روغن زیتون دوست صمیمی کبد آدمی ، و برای رفع عوارض کلیه ها

و سنگهای صفراوی ، و قولنجهای کلیوی ، و کبدی ، و رفع یبوست بسیار مؤ ثر است .

به همین دلیل از درخت زیتون به عنوان شجره مبارکه در قرآن مجید یاد شده است .

روغن زیتون نیز سرشار از انواع ویتاءمین ها است و دارای فسفور و گوگرد و کلسیوم و آهن و پتاسیوم و منگنز است .

مرهمهائی را که از روغن زیتون و سیر تهیه می شود

برای انواع دردهای رماتیسمی مفید دانسته اند، سنگهای کیسه صفرا وسیله خوردن روغن زیتون از بین می روند. <۷>

در خبری از امیر مؤ منان علی (علیه السلام) می خوانیم : ما افقر بیت یاتدمون بالخل و الزیت و ذلک ادام الانبیاء: خانه ای که در آن از سرکه و روغن زیتون به عنوان نان خورش استفاده می کنند هرگز خالی از طعام نمی شود، و این غذای پیامبران است <۸> .

و در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا (علیهماالسلام) آمده است : نعم الطعام الزیت : یطیب النکهه ، و یذهب بالبلغم ، و یصفی اللون ، و یشد العصب ، و یذهب بالوصب ، و یطفی ء الغضب : روغن زیتون غذای خوبی است ، دهان را خشبو، و بلغم را برطرف می سازد، رنگ صورت را صفا و طراوت می بخشد، اعصاب را تقویت کرده ، بیماری و درد و ضعف را از میان می برد و آتش خشم را فرو می نشاند. <۹> این بحث را با حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) پایان می دهیم ، فرمود:

کلوا الزیت و ادهنوا به فانه من شجره مبارکه : روغن زیتون را بخورید و بدن را با آن چرب کنید که از درخت مبارکی است . <۱۰>

بعد از ذکر این قسمهای پر محتوای چهارگانه به جواب قسم پرداخته چنین می فرماید: مسلما ما انسان را در بهترین شکل و نظام آفریدیم (لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم).

((تقویم)) به معنی در آوردن چیزی به صورت مناسب ، و نظام معتدل و

کیفیت شایسته است ، و گستردگی مفهوم آن اشاره به این است که خداوند انسان را از هر نظر موزون و شایسته آفرید، هم از نظر جسمی ، و هم از نظر روحی و عقلی ، چرا که هر گونه استعدادی را در وجود او قرار داده ، و او را برای پیمودن قوس صعودی بسیار عظیمی آماده ساخته ، و با اینکه انسان جرم صغیری است ، ((عالم کبیر)) را در او جا داده و آنقدر شایستگیها به او بخشیده که لایق خلعت و لقد کرمنا بنی آدم ما فرزندان آدم را کرامت و عظمت بخشیدیم (سوره اسراء آیه ۷۰) شده است همان انسانی که بعد از اتمام خلقتش می فرماید: فتبارک الله احسن الخالقین پس بزرگ و پر برکت است خدائی که بهترین خلق کنندگان است !

ولی همین انسان با تمام این امتیازات اگر از مسیر حق منحرف گردد چنان سقوط می کند که به ((اسفل السافلین)) کشیده می شود، لذا در آیه بعد می فرماید سپس ما او را بپائینترین مراحل باز گرداندیم (ثم رددناه اسفل سافلین).

می گویند همیشه در کنار کوه های بلند دره های بسیار عمیق وجود دارد، و در برابر آن قوس صعودی تکامل انسان ، قوس نزولی وحشتناکی دیده می شود، چرا چنین نباشد در حالی که موجودی است مملو از استعدادهای سرشار که اگر در طریق صلاح از آن استفاده کند بر بالاترین قله افتخار قرار می گیرد، و اگر این همه هوش و استعداد را در طریق فساد به کار اندازد بزرگترین مفسده را می آفریند و طبیعی است که به اسفل السافلین کشیده

شود.

ولی در آیه بعد می افزاید: مگر کسانی که ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند که برای آنها پاداشی است قطع نشدنی (الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات فلهم اجر غیر ممنون).

((ممنون)) از ماده من در اینجا به معنی قطع یا نقص است ، بنابراین غیر ممنون اشاره به پاداشی دائمی و خالی از هر گونه نقص است ، و بعضی گفته اند منظور خالی از منت بودن است اما معنی اول مناسب تر به نظر می رسد.

بعضی جمله ثم رددناه اسفل سافلین را به معنی ضعف و ناتوانی و کم هوشی فوق العاده دوران پیری تفسیر کرده اند، ولی در این صورت با استثناء آیه بعد سازگار نیست ، بنابراین با توجه به مجموع آیات قبل و بعد همان تفسیر اول درست به نظر می رسد. در آیه بعد این انسان ناسپاس و بی اعتنا به دلائل و نشانه های معاد را مخاطب ساخته ، می گوید: چه چیز سبب می شود که تو بعد از این همه دلائل روز جزا را تکذیب کنی ؟! (فما یکذبک بعد بالدین).

ساختمان وجود تو از یکسو، و ساختمان این جهان پهناور از سوی دیگر، نشان می دهد که زندگی چند روزه دنیا نمی تواند هدف نهائی آفرینش تو و این

عالم بزرگ باشد.

اینها همه مقدمه ای است برای جهانی وسیعتر و کاملتر، و به تعبیر قرآن نشاه اولی خود خبر از نشاه اخری می دهد، چرا انسان متذکر نمی شود (و لقد علمتم النشاه الاولی فلو لا تذکرون) (واقعه ۶۲). <۱۱>

عالم گیاهان پیوسته و در هر سال منظره مرگ و

حیات مجدد را در برابر چشم انسان مجسم می سازند، و آفرینشهای پی در پی دوران جنینی هر کدام معاد و حیات مجددی محسوب می شود با این همه چگونه این انسان روز جزا را انکار می کند؟

از آنچه گفتیم روشن می شود که مخاطب در این آیه نوع انسان است ، و این احتمال که مخاطب شخص پیامبر اسلام (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) باشد و منظور این است که با وجود دلائل معاد چه کسی یا چه چیزی می تواند تو را تکذیب کند بعید به نظر می رسد.

و نیز روشن شد که منظور از ((دین)) در اینجا آئین و شریعت نیست بلکه همان جزا و روز جزا است ، آیه بعد نیز گواه بر این معنی است .

چنانکه می فرماید: آیا خداوند بهترین حکم کنندگان و داوران نیست ؟! (الیس الله باحکم الحاکمین).

و اگر دین را به معنی کل شریعت و آئین بگیریم معنی این آیه چنین می شود: آیا خداوند احکام و فرمانهایش از همه حکیمانه تر و متقن تر نیست ؟ یا اینکه آفرینش پروردگار در مورد انسان از هر نظر آمیخته با حکمت و علم و تدبیر است . ولی چنانکه گفتیم معنی اول مناسب تر به نظر می رسد.

در حدیثی آمده است موقعی که پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) سوره و التین را تلاوت می فرمود وقتی به آیه ((الیس الله باحکم الحاکمین)) می رسید، می فرمود: بلی و انا علی ذلک من الشاهدین : ((آری خداوند احکم الحاکمین است و من بر این امر گواهم)).

خداوندا! ما نیز گواهی می دهیم که تو احکم الحاکمینی .

پروردگارا! خلقت ما را در بهترین صورت قرار داده ای ، توفیقی مرحمت کن تا عمل و اخلاق ما نیز در بهترین صورت باشد.

بارالها! پیمودن راه ایمان و عمل صالح جز به لطف تو میسر نیست ، ما را در این راه مشمول الطافت فرما.

آمین یا رب العالمین

تفسیر مجمع البیان

آشنایی با این سوره در برابر نود و پنجمین بوستان پرطراوت و زیبا ایستاده ایم. پیش از هر چیز به شناسنامه این سوره می نگریم:

۱ - نام این سوره در این سوره خدای فرزانه به انجیر و زیتون، دو غذای جسمی انسان سوگند یاد می کند، و نیز به طور سینا و مکّه دو فرودگاه وحی موسی و محمد (ص)، و دو خاستگاه بعثت ها و نهضت های توحیدی و اصلاحی و آزادیخواهانه و طلوع پیامبران خدا. نام این سوره نیز از نخستین سوگند و نخستین واژه این سوره، یعنی «تین» برگرفته شده است.

۲ - فرودگاه این سوره این سوره در مکه، پس از سوره «بروج» و در سال سوم از بعثت بر جان نورانی پیامبر فرود آمده است. پاره ای نیز آن را «مدنی» شمرده اند، اما دیدگاه نخست بهتر به نظر می رسد، چرا که آیه «و هذا البلد الأمین» نشانگر اشاره به نزدیک است که مکّه باشد.

۳ - شمار آیه های و واژه های آن این سوره از ۷ آیه، ۳۴ واژه، و ۱۵۰ حرف پدید آمده است.

۴ - پاداش تلاوت آن

از پیامبر گرامی آورده اند که فرمود:

من قرأها اعطاه اللّٰه خصلتین: العافیه والیقین مادام فی دارالدنیا، فاذا مات اعطاه اللّٰه

من الاجر بعدد من قراء هذه السّوره صیام یوم.(۲۰۵)

هر کس این سوره را بخواند خدا دو نعمت را در روزگاری که در دنیا زندگی می کند به او می بخشد، که عبارتند از سلامت و یقین، یا سلامت جسم و جان. و هنگامی که از دنیا برود به شمار همه کسانی که این سوره را تلاوت کرده اند، پاداش یک روز روزه را به او می بخشد.

از آن حضرت آورده اند که: در نماز مغرب خویش این سوره را می خواند و به گونه ای آن را تلاوت می کرد که به بیان «ابن عازب» کسی زیباتر از آن حضرت تلاوت نمی کرد.

از امام صادق آورده اند که می فرمود: و من قراء والتین فی فرائضه و نوافله اعطی من الجنه حیث یرضی.(۲۰۶)

کسی که سوره «تین» را در نمازهای واجب و نافله هایش بخواند، خدا هر کجای از بهشت را که او دوست بدارد، به وی ارزانی داشته و او را گرامی می دارد.

گفتنی است که این پاداش، نه برای تلاوت و حفظ آیات و چاپ و نشر این سوره، بلکه در گرو اندیشه درست و بیان درست و روشن بینانه مفاهیم بلند قرآن و از همه مهم تر آراستگی به ایمان و آگاهی و عمل به مقررات خدا و رعایت حقوق انسان هاست، نه تلاوت سوداگرانه و یا به دور از خرد و عمل شایسته.

۵ - دورنمایی از محتوای این سوره در این سوره و آیات هشت گانه آن این بحث ها به تابلو رفته است:

۱ - چهار سوگند بسیار اندیشاننده،

۲ - رمز این سوگندها،

۳ - آفرینش شگفت انگیز انسان،

۴ - مراحل اوج و رشد انسانها،

۵ -

مراحل واپسگرایی و انحطاط انسان،

۶ - راز آن صعود و رمز این سقوط،

۷ - موضوع معاد و جهان پس از مرگ و فرمانروایی و داوری خدا.

و نکات ظریف و جان پرور دیگری که خواهد آمد.

۱ - سوگند به انجیر و زیتون،

۲ - و به طور سینا،

۳ - و به این شهر امن [وامان ،

۴ - که به راستی [ما] انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم؛

۵ - سپس او را به فروترین [مراحل فروتری باز گردانیدیم؛

۶ - مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، که مزدی پایان ناپذیر دارند.

۷ - پس [ای انسان!] چه چیز تو را پس از این [همه دلیل روشن به دورغ شمردن [روز] پاداش و کیفر وامی دارد؟!

۸ - آیا خدا بهترین داوران نیست؟!

نگرشی بر واژه ها

تین: انجیر.

زیتون: همان دانه های روغنی است که آن ماده معروف را از آن می گیرند.

سینین: به معنی کوه پر دار و درخت، کوه پربرکت، کوه زیبا، فرودگاه وحی موسی و نیایشگاه آن حضرت است.

تقویم: به معنی درآوردن پدیده ای به صورت معتدل، شایسته و بایسته و در خور آن، آمده است. هنگامی که گفته می شود: «قوَّمَهُ فاستقام و تقوّم» منظور این است که: آن پدیده را سنجید و اعتدال بخشید، پس آن پدیده معتدل و موزون و استوار گردید.

ممنون: از ماده «مَنّ» به معنی قطع آمده، و آن گاه که با واژه «غیر» باشد، منظور پاداشی است پاینده و کامل و گسست ناپذیر و بدون عیب و نقص. پاره ای نیز آن را به معنی پاداش بدون منت گرفته اند.

تفسیر

آفرینش زیبا و شگفت آور انسان این سوره مبارکه با سوگندهایی شگفت و بسیار اندیشاننده آغاز می گردد تا پس از چندین سوگند انسان های خردمند و خردورز را به حقایق بزرگ و سرنوشت سازی توجه دهد.

نخست می فرماید:

وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ

سوگند به انجیر و زیتون دو غذای جسمی انسان،

به باور گروهی از مفسران پیشین در این آیه، خدا به همان انجیری که می خورند سوگند یاد می کند، و از پی آن به «زیتون»، همان چیزی که روغن زیتون را از آن می گیرند. این چیزی است که از ظاهر واژه ها دریافت می گردد.

آری، در این آیه به «انجیر» سوگند یاد می شود، چرا که میوه ای است پاک و پاکیزه از پوست و هسته و مواد زائد، دارای ارزش بسیار غذایی و دارویی برای انسان، و در آفرینش آن شگفتی های بسیاری است. خدا آن را در اندازه هایی خاص و رنگ های متنوع و به صورت و اندازه لقمه ای پر از مواد غذایی و دارویی برای انسان، و به عنوان نعمتی برای بندگان پدید آورده است.

«ابوذر» از پیامبر آورده است که فرمود: لو قلت ان فاکهه نزلت من الجنه لقلت هذه هی... اگر می خواستم بگویم میوه ای از بهشت فرود آمده است، انجیر را نشان می دادم، چرا که بسان میوه های بهشت بدون هسته و دانه است؛ از آن بهره ور گردید که برای سلامتی انسان سودبخش است و ریشه کن کننده برخی از بیماری ها است.

و نیز در این آیه به «زیتون» سوگند یاد می شود؛ همان چیزی که سرشار از ویتامین ها و آکنده از مواد غذایی و خواصّ دارویی است و چون خورشی است برای غذا.

به

باور «قتاده» واژه «تین» نام کوهی است در شام که شهر دمشق بر دامنه آن ساخته شده، و «زیتون» نیز نام کوهی است در فلسطین که «بیت المقدس» در آن بنیاد گردیده است.

و به باور «عکرمه» این دو واژه، نه نام دو میوه و دانه، بلکه نام دو کوهی است که از درخت انجیز و زیتون پوشیده اند.

از دیدگاه برخی منظور از واژه «تین» مسجد دمشق می باشد، و منظور از «زیتون»، بیت المقدس.

واز دیدگاه «ضحاک» واژه «تین» در مورد مسجد الحرام به کار رفته است و «زیتون» در مورد مسجد الاقصی.

در سوگند سوم می فرماید:

وَ طُورِ سِينِينَ

سوگند به طور سینا،

در تفسیر آیه دیدگاه ها متفاوت است:

به باور «حسن» منظور همان کوهی است که خدا در آنجا با موسی سخن گفت و او را به رسالت برگزید. با این بیان واژه «سینین» و «سینا» به یک معنی آمده اند.

اما از دیدگاه برخی این واژه به معنی برکت و مبارک آمده و وصف می باشد و منظور این است که به آن کوه پربرکت سوگند.

«عکرمه» می گوید: منظور کوه پرگیاه و درخت است و «مقاتل» آن را به کوه پوشیده از درخت میوه معنی می کند.

«عمروبن میمون» آورده است که: «عمر» در مکّه این سوره را در نماز مغرب می خواند و به باور من در این اندیشه بود که بدین وسیله شکوه و حرمت مکّه را اعلام دارد. این مطلب از امام کاظم نیز روایت شده است.

و در آخرین سوگند در این سوره می فرماید:

وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ.

و سوگند به این شهر امن و امان و به

فرودگاه وحی محمد (ص).

آری، سوگند به شهری که شهر امن و امان است و هر ترسان و وحشت زده ای در پناه خداوند کعبه در روزگار جاهلیت و اسلام احساس امنیت می کند، و هر کس در آن وارد گردد در ا مان است.

پاره ای واژه «امین» را به معنی امان دهنده و امنیت بخش گرفته اند.

اولم یروا انا جعلنا حرماً آمناً...(۲۰۷)

آیا ندیده اند که ما برای آنان حرمی امن و امان قرار دادیم...

و شاعر نیز واژه «امین» را به معنی امنیت بخش به کار برده است که می گوید:

الم تعلمی یا اسم ویحک اننی حلفت یمیناً لااخون امینی هان ای «اسماء»! وای بر تو، آیا نمی دانی که من سوگند یاد کرده ام که به امان دهنده ام خیانت نکنم.

پس از سوگندهای بیدارگری که آمد، اینک در جواب آنها می فرماید:

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فِی أَحْسَنِ تَقْوِیمٍ.

به راستی که ما انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم.

به باور گروهی از جمله «مجاهد» این آیه جواب سوگندهای چهارگانه است و منظور از انسان، همه انسانها می باشند و بدین وسیله روشنگری می گردد که خدا تمامی انسان ها را در زیباترین و نیکوترین سیما و سیرت پدید آورد و نظام بخشید.

به باور «ابن عباس» منظور این است که: ما انسان را با قامتی پدید آوردیم، که بر روی دو پا و سربلند راه می رود و دیگر حیوانات بر روی چهار دست و پا و سر به زیر.

اما به باور پاره ای دیگر منظور این است که خدا انسان را در بهترین و نیکوترین قامت واعضا و اندام ها و دستگاه های جسمی، و بهترین شرایط روحی و معنوی و روانی پدید

آورد و به او نعمت خرد و اندیشه و بیان و قدرت مدیریت و نظام ارزانی داشت و بدین وسیله او را از دیگر جانداران ممتاز گردانید.

گفتنی است که آیه شریفه اشاره به دوران جوانی و بهاران زندگی انسان ها دارد.

آن گاه می افزید:

ثُمَّ رَدَدْناهُ أَسْفَلَ سافِلِينَ

سپس او را به پست ترین مراتب پستی باز می گردانیم.

از دیدگاه گروهی از مفسران منظور بازگشت انسان به روزگار پیری و ناتوانی و پایین ترین مرحله زندگی است، که انسان هم نیروی جسمی را از دست می دهد، و هم نیروی فکری را؛ چرا که واژه «سافل» در مورد افراد ناتوان، زمین گیر، کهنسال، بیمار و کودکان بی دفاع به کار می رود.

اما به باور گروهی دیگر از جمله «مجاهد»، «جبایی» و... منظور این است که: سپس او را به سوی فروترین و پایین ترین طبقات و درکات دوزخ بر می گردانیم، چرا که ما اینان را در بهترین و نیکوترین صورت و سیرت آفریدیم و از نعمت خرد و آزادی بهره ور ساختیم، آن گاه بهترین برنامه زندگی را به سویشان فرستادیم، اما آنان کفر ورزیدند و اصلاح نپذیرفتند، به همین جهت ما نیز آنان را در زشت ترین صورت به سوی فروترین طبقه دوزخ باز می گردانیم.

در آیه بعد می افزاید:

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ.

مگر آن کسانی که به راستی ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دهند...

آری، آن کسانی که به راستی یکتایی خدا و رسالت پیامبرش را گواهی کنند، و خدای را خالصانه بپرستند و فرمان برند، اینان مردمی هستند که سرنوشت دیگری دارند و به سوی آتش نخواهند رفت.

طرفداران

دیدگاه نخست برآنند که اگر انسان به راستی ایمان آورد و کارهای شایسته انجام دهد، چنین کسی گر چه عمری دراز داشته باشد، به خرفتی و فروترین مرحله عمر و از دست دادن نیروی خرد و اندیشه باز نمی گردد.

پاره ای گفته اند: هنگامی که انسان با ایمان به گونه ای پیر شد که دیگر توان انجام عبادت و کارهای شایسته را نداشت، برای او بسان عملکرد دوران توانایی اش نوشته می شود.

فَما یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ

و برای اینان پاداشی پاینده و گسست ناپذیر خواهد بود.

به باور «عکرمه» منظور این است که کسانی از مردم باایمان و شایسته کردار که به پایین ترین مرحله پیری و ناتوانی برسند، هنگامی که کاری شایسته نیت کنند و در حد توان عمل نمایند، برای آنان عملکرد و پاداشی بسان بهترین عملکرد دوران جوانی شان نوشته می شود و پاداشی هماره و بدون منت خواهند داشت.

از «ابن عباس» آورده اند که: آن کسی که در زندگی با قرآن آشنا باشد و آن را تلاوت کند و با آیات آن همدم باشد و عمل کند، خدا او را به پست ترین مرحله عمر باز نمی گرداند؛ چرا که می فرماید: الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات.... که منظور «الا الذین قرأوا القران» است.

از پیامبر آورده اند که فرمود: کودک تا رسیدن به مرحله بلوغ و نوجوانی، هر کار شایسته ای انجام دهد به حساب پدر و مادرش نوشته می شود، و اگر به گناهی دست زد، نه چیزی به حساب او نوشته می شود و نه به حساب پدر و مادرش.

آن گاه که به نوجوانی رسید و قلم تکلیف بر او جریان یافت، خدا به دو فرشته همراه او فرمان می دهد که

او را حفظ و ارشاد کنند.

زمانی که به چهل سالگی رسید و ایمان راستین داشت، خدا او را از بلاهای سه گانه «جنون» «جذام» و «برص» در امان می دارد.

هنگامی که به پنجاه سالگی رسید، خدا از او به صورت آسان حساب می کشد، و آن گاه که به شصت رسید، او را به حقگرایی و توبه و اصلاح توجه می دهد. زمانی که به هفتاد رسید، آسمانیان او را دوست می دارند و آن گاه که به هشتاد سالگی گام نهاد، خدا کارهای شایسته او را ثبت و از گناهانش می گذرد.

هنگامی که به نود رسید، خدا گناه گذشته و آینده او را می آمرزد، و وی را شفاعتگر خاندانش می نگرد و در زمین او را «اسیر خدا» می شناسد. هنگامی که به پست ترین مرحله عمر رسید و دیگر گویی می خواهد پس از آن آگاهی، دیگر چیزی را به خاطر نیاورد، خدای مهربان برای او پاداش بهترین عملکرد دوران جوانی اش را می نویسد و اگر گناهی هم از او سر زد چیزی به حسابش نوشته نمی شود.

«ابوعلی» می گوید: اگر این روایت درست باشد، منظور این است که گناه او به خاطر زوال عقل و از کارافتادگی قدرت شناخت و درک او در آن مرحله از پیری است که در کارنامه زندگی اش نوشته نمی شود، وگرنه انسان خردمند و آزاد مسئول گفتار و عملکرد خویش است.

در تفسیر «غیر ممنون» دیدگاه ها متفاوت است:

۱ - به باور پاره ای منظور پاداشی است بدون کاستی و نقصان.

۲ - اما به باور پاره ای دیگر، به معنی پاداشی فراوان و بی شمار و بی حساب آمده است.

۳ - و از دیدگاه «جبایی» منظور پاداشی است

خالص و شفاف و بدون چیزی که دریافت دارنده را آزرده سازد.

در هفتمین آیه مورد بحث در پرسشی سرشار از هشدار می فرماید:

فَما یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ پس ای انسان! چه چیزی پس از این همه دلیل ها و برهان ها در یکتایی خدا، آمدن رستاخیز، تردیدناپذیر بودن حساب و کتاب و بهشت و دوزخ، تو را به دروغ شمردن روز جزا وامی دارد؟

به باور گروهی از جمله «ابومسلم» منظور این است که: هان ای انسان! چه چیزی پس از این همه دلیل و برهان باعث شد تا روز پاداش و کیفر را تکذیب کنی؟ و در مورد ولادت خویش، دوران کودکی، جوانی و پیری نیندیشی و درس عبرت نگیری؟ و به این واقعیت باریک نرسی که آفریدگار این همه دگرگونی ها و تحولات می تواند در آستانه رستاخیز بار دیگر مردگان را از دل خاک برانگیزد و زندگی بخشد و آن گاه از آنان حساب کشد و پاداش و کیفرشان بدهد؟ راستی چه عاملی تو را از این حقیقت دور ساخت؟

اما به باور «مجاهد» و... روی سخن در آیه با پیامبر می باشد و منظور این است که: پس از این همه دلیل و برهان بر درستی دین و آیین تو، دیگر چه کسی است که اسلام را دروغ شمارد؟ نه، دیگر هیچ دستاویز و بهانه ای برای انکار نیست.

و سرانجام می فرماید:

أَ لَیْسَ اللَّهُ بِأَحْکَمِ الْحاکِمِینَ آیا خدای یکتا بهترین و نیکوترین داوران نیست؟

آیه شریفه گرچه به ظاهر و قالب پرسشی است، اما در اندیشه بیان این واقعیت است که: هان ای انسان! با همه وجود ایمان بیاور و اعلام نما که ذات بی

همتای خدا در آفرینش او و کارهایش نه ذره ای ناهماهنگی و بی هدفی به چشم می خورد ونه بی نظمی و تزلزل؛ پس چنین ذات فرزانه و حکیمی با این نظام حکیمانه اش چگونه می پندارید که جهان را بی هدف آفریده و انسان را عبث و بیهوده رها کرده، و پاداش و کیفر و محاسبه ای در کار نخواهد بود؟

«مقاتل» می گوید: منظور این است که: هان ای محمد! آیا خدا بهترین داوران نیست تا میان تو و کفرگرایان داوری کند؟

و «قتاده» آورده است که: پیامبر گرامی هر گاه این سوره را تلاوت می کرد، می فرمود: آری، خدا نیکوترین داوران است، و من بر این واقعیت گوا هی می دهم و در شمار گواهانم. و انا علی ذلک من الشاهدین.(۲۰۸)

بار خدایا! ما را در گزینش راه ایمان و عمل شایسته یاری فرما.

تفسیر اطیب البیان

سوره تین ، غرض سوره : تذکر دادن به مبدأ و معاد.

(۱) (و التین و الزیتون):(قسم به انجیرو زیتون)

(۲) (و طور سینین):(و قسم به سرزمین <طور سینا>)

(۳) (و هذا البلد الامین):(و سوگند به مکه این شهر امن)بعضی مفسرین قسم به انجیر و زیتون را به جهت خواص و فواید بسیاری که دارند، سوگند در همین معنای ظاهری دانسته اند، ولی بعضی دیگر مراد از آن را دوسرزمین شام و بیت المقدس دانسته اند، به جهت انبیاء بسیاری که در این دو نقطه مبعوث شده اند، چون (تین)نام کوهستانی است که دمشق بر بلندای آن واقع شده و زیتون نام کوهستانی است که بیت المقدس بر آن قرار گرفته .و مراد از (طور سینین)کوهیست که خدای تعالی در آن با

موسی بن عمران تکلم کردو نام دیگر آن (طور سیناء) است و مراد از (بلد امین) شهرمکه و حرم امن الهی است ،چون امنیت برای آن تشریع شده و غیر آن هیچ جای دیگر چنین حکمی در باره اش تشریع نشده است و در باره حرمت و امنیت آن آیاتی در قرآن کریم وجود دارد.

(۴) (لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم):(به تحقیق ما انسان را با بهترین نظام خلق کردیم)

(۵) (ثم رددناه اسفل سافلین):(سپس او را به پست ترین مراحل برگرداندیم)

(۶) (الا الذین امنوا و عملوا الصالحات فلهم اجر غیر ممنون):(به جز کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح بجا آورند، اینان پاداشی غیر منقطع و بدون منت دارند)در جواب سوگندها می فرماید: به تحقیق ما انسان را به گونه ای آفریده ایم که تمامی جهات وجودی او و همه شئونش مشتمل بر تقویم است ، یعنی از قوام برخوردار می باشدو (قوام) عبارتست از هر چیز یا وضع یا شرطی که ثبات و بقاء انسان به آن بستگی دارد.بنابراین نوع انسان به حسب خلقتش دارای بهترین قوام است ، به گونه ای که صلاحیت کمال و وصول به قرب و جوار پروردگارش را دارد، چون خداوند او را به جهازی مجهز کرده که می تواند با آن علم نافع و علم صالح کسب کند و هر وقت که بدانچه می داند ایمان آورد و ملازم اعمال صالح گردید، خدای تعالی او را به سوی خود عروج می دهد و بالا می برد، همچنانکه فرمود:(الیه یصعد الکلم الطیب و العمل الصالح یرفعه (۳۶) اعتقادپاک به سوی اوبالا می

رود و عمل صالح آن را در بالا رفتن کمک می کند)و همینکه خداوند به انسان امکان عروج در مدارج ترقی و قرب خود را اعطاء نموده تا بتواند بوسیله ایمان و عمل صالح اوج بگیرد، عطایی قطع ناشدنی است ، در ادامه می فرماید: سپس ما همین انسان را به مقام پستی برگرداندیم که از مقام تمام اهل عذاب پست تر است ، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهند که اینها به سوی شقاوت و عذاب برگردانده نمی شوند، بلکه اجر و پاداشی غیر منقطع دارند.

(۷) (فما یکذبک بعد بالدین):(پس ای انسان چه انگیزه ای تو را وا می دارد که روزجزا را تکذیب کنی ؟)

(۸) (الیس الله باحکم الحاکمین):(آیا خدا بهترین حکم کنندگان نیست ؟)در ادامه با استفهامی توبیخی خطاب به نوع انسان می فرماید: چه عاملی تو را به این امر واداشته که جزای روز قیامت را تکذیب کنی ؟ با اینکه ما نوع انسان را به دو گروه پاداش داده شده و برگردانده شده به اسفل السافلین تقسیم کرده ایم ، آیا جز این است که خداوند احکم الحاکمین است و حکم او مافوق هر حاکم می باشد، زیرا حکم او دراتقان و نفوذ از حکم هر حاکم دیگر برتر است ، و همین حکم متقن و حکیمانه اقتضاءمی کند که این دو طائفه از انسانها در جزا مختلف و متفاوت باشند، پس باید روز جزایی باشد تا هر کس مطابق عملش جزا داده شود و عقل و فطرت آدمی هرگز تجویز نمی کندکه روز جزایی در بین نباشد، همچنانکه فرمود:(ام نجعل المتقین کالفجار(۳۷) آیا

مامردم با تقوا را مانند فجار قرار می دهیم ؟).

تفسیر نور

طور سینین، همان وادی سینا میان مصر و فلسطین امروزی است.

در برخی روایات، به قرینه <<طور سینین>> و <<البلد الامین>> که اشاره به دو مکان مقدس است، آمده است که مراد از <<التین و الزیتون>> نیز محلّ رویش این دو میوه می باشد و ایه را اشاره به شهرهای مدینه و بیت المقدس دانسته اند. <۸۹۱>

در میان خوردنی ها، میوه ها و در میان آنها میوه های قنددار و چربی دار برای سوخت و ساز بدن بیشتر مورد نیاز است. <<التین و الزیتون>>

از امتیازات اسلام داشتن سرزمین امن است حتی برای گیاهان و حیوانات. <<البلد الامین>>

نام انجیر یکبار و زیتون، شش بار در قرآن آمده است و هر دو دارای خواص غذایی و درمانی فراوانی هستند. انجیر برای هر سن و سالی به خاطر قندی که دارد مفید است. ورزشکاران و کسانی که دچار ضعف و پیری هستند به خوردن آن سفارش شده اند. بر اساس برخی روایات، انجیر

وه ای بهشتی است و در طبّ قدیم، معجون انجیر و عسل برای زخم معده و انجیر خشک برای تقویت فکر سفارش شده است.

امام رضاعلیه السلام فرمود: انجیر بوی دهان را می برد، لثه ها و استخوان ها را محکم می کند، مو را می رویاند، درد را برطرف می سازد و مثل دارو مؤثر است. زیتون، بلغم را برطرف می سازد، رنگ صورت را صفا داده اعصاب را تقویت نموده، بیماری و درد و ضعف را از بین برد و آتش خشم را فرو می نشاند.<۸۹۲>

در اینکه مراد از <<ثمّ رددناه اسفل سافلین>> چیست؟ مفسران دو نظر داده اند. یکی آنکه مراد، ضعف و سستی جسم در پیری است، چنانکه در آیه ای دیگر می فرماید:

<<و من نعمّره ننکّسه فی الخلق>><۸۹۳> و دیگر آنکه مراد، دست برداشتن گروهی از انسانها از فطرت اولیه

هی است که خداوند در نهاد هر بشری قرار داده که هر کس چنین کند، خداوند او را در پست ترین جایگاه ها قرار می دهد و گرفتار شقاوت و عذاب می شود.

۱- نعمت های دنیوی حتی خوردنی ها، قداست دارد و مورد سوگند الهی واقع شده اند. <<و التین و الزیتون>>

۲- سلامتی که از طریق غذا بدست می آید و امنیّت مهمترین نیازهای مادی انسان است. <<التین و الزیتون... البلد الامین>>

۳- قداست وحی به زمین ها نیز سرایت می کند. <<طور سینین>>

۴- امنیّت شهر مکّه، دعای حضرت ابراهیم است که گفت: <<ربّ اجعل هذا بلداً آمنا>> و این دعا مورد استجابت واقع شد. <<هذا البلد الامین>>

۵ - انسان در آفرینش بر همه موجودات برتری دارد. <<خلقنا الانسان فی احسن تقویم>>

۶- خداوند بر آغاز و فرجام انسان حاکم است. <<خلقنا... رددنا>>

۷- انسان در اصل خلقت پستی ندارد و سقوط او در طیّ مراحل زندگی واقع می شود. <<خلقنا الانسان فی احسن تقویم ثمّ رددناه اسفل سافلین>>

۸ - انسان که برترین مخلوق است. سقوطش نیز از همه موجودات پست تر است. <<احسن تقویم... اسفل سافلین>> (چنانکه در آیات دیگر نیز می فرماید: <<اولئک کالانعام بل هم اضلّ>><۸۹۴>)

۹- دوری از ایمان و عمل صالح سبب سقوط است و ایمان، عامل دوری از هر گونه پستی و نزول است. <<رددناه اسفل سافلین الاّ الّذین امنوا و عملوا الصالحات>>

۱۰- با آنکه خداوند خالق انسان است و هرگونه بخواهد حق دارد با مخلوقش رفتار کند، امّا او بر اساس عدل، حکم می کند و بهترین داوران است. <<احکم الحاکمین>>

«والحمدللّه ربّ العالمین»

تفسیر انگلیسی

The names of things and events

used in the Quran to make solemn statements are mostly symbols the knowledge of .which, as Allah has willed, is beyond the grasp of ordinary minds

.Tin (fig) and zaytun (olive) are two of the useful fruit-trees

Fig is the most approved of fruits and the most nutritious, quick of digestion, having nothing redundant, and a very useful medicine. In its early state, it is nothing but tiny seed, insipid and often full of worms and maggots, but after full growth it is one of the finest, most delicious, and most wholesome fruits in existence. So man at his best excels every created being and at his worst is the lowest of the low. Isa is said to have cursed a fig tree when he found no fruit on it. See Matthew ۲۱: ۱۸ to ۲۰. See also the parable of the good and evil figs in Jeremiah ۲۴: I to ۱۰. There is also a parable of the .fig tree in Matthew ۲۴: ۳۲ to ۳۵

For the symbolism of the olive, see commentary of Nur: ۳۵ where the parable of the lamp lit by Allah includes a reference to the olive. It may also refer to the mount of .olives; just outside the walls of the city of Jerusalem, as mentioned in Matthew ۲۴: ۳

Sinin or Sinai is the name of the mountain where Musa received the divine commandments, so, it is the mountain of the giving of law. See commentary of Maryam: ۵۲. On this mountain Allah manifested his glory to Musa and the people

.who had asked him to let Allah manifest His glory (see Araf: ١۵۵). Also refer to Tur: ١

Baladil amin (the city of security) is Makka. The Holy Prophet was known as al amin .among the people of Makka where he was born, so Makka is the city of al amin

(see commentary for verse ١)

(see commentary for verse ١)

Ahsan means the best; and taqwim means mould, form, constitution. Refer to the commentary of Baqarah: ٣٠ to ٣٩, ١١٢, ١٣۵; Ali Imran: ٩۵. There is no fault in Allahs creation and there is no stigma of original sin. To man Allah gave intelligence, faculties of observation, judgement and action with free will and discretion. As the chosen representative of Allah man was exalted higher than the angels. Allahs creation is so perfect that there is no room for any change or alternation. See verse ٣٠ of Rum. If man keeps himself safe from pollution and corruption, safeguards himself against evil with full awareness of laws made by Allah and follows the divine guidance, which he can do by using the freedom of choice and action given to him, he reflects in his .character the divine attributes of Allah and reaches the highest level of perfection

If man follows after evil, rebels against Allah and uses his freedom of choice and action to violate the laws made by Allah he is abased to the lowest possible position. .See commentary of Araf: ١٧٩ and Furqan: ۴۴

Those who retain the innate purity by realizing Allahs unity (tawhid), submit to the laws

of Allah and lives a righteous life in this world as a preparation for the life of hereafter and reach the high and noble destiny intended for them, an unending life of bliss is .their reward

:Aqa Mahdi Puya says

Ghayru mamnun means "not broken off" or "never to be cut off". It clearly asserts that those who believe and do good deeds (faith and righteousness) occupy the highest position among all created beings, and the best among them are chosen as vicegerents of Allah, so the doctrines of "original sin" and "fall of Adam" are contrary to the teachings of the Quran. Adam and all other chosen representatives of Allah in his progeny belong to this category-ahsani taqwim, the best created beings. The abased or reverted (radad) are those who fail to follow the divine guidance after .Adam settled on the earth. See Baqarah: ٣٨ and ٣٩

As the human mould is the best in the creation the men of faith and righteousness .retain it in all the stages of their movement unto the creator

Since Allah created man pure and true and sent down guidance and guides to show him the right path of faith and righteousness, no one should belie or doubt what the .Holy Prophet said about the certainty of the resurrection and final judgement

Allah is wise and just. Therefore the righteous believers have nothing to fear, .whereas the evil disbelievers shall not escape punishment

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹